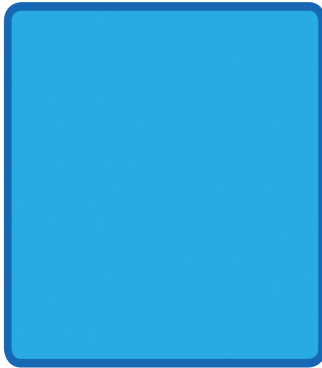
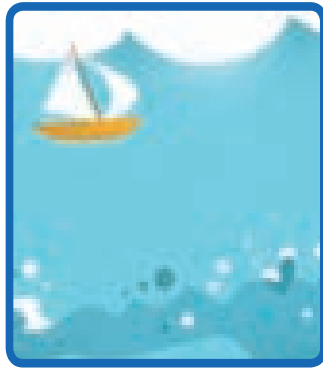




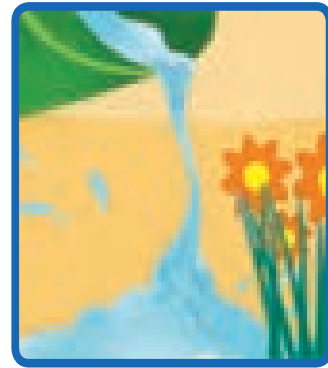
# درس ۱ آب



آبی



دَریا



آب

آب      آبی

دَریا      آبی

آ آ

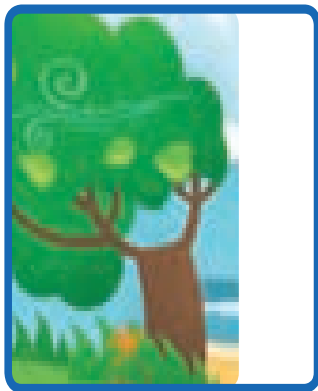


آ آ      ب ب

باران



باران



باد



آب

آب دریا

باد باران

بب

آ آب بب



# درس ۲ اَبر



أَمین



مادامادک



دَریا



أَبر

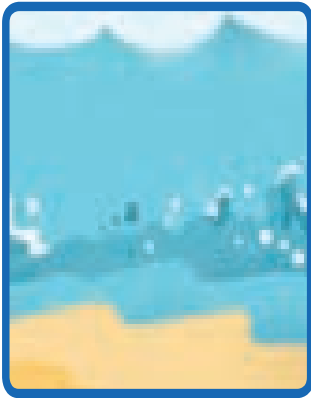
أَبر ماد

مادامادک در ماد

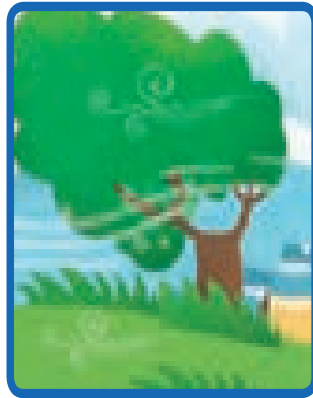
أَ

آ ا ب د

ماد



دَرِیا



ماد



اَبر

ماد    ماد    ماد

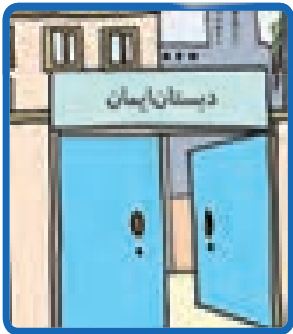
اَبر    مادان    داد

د

آ ا ب ا د م م



# درس ۳ مدرسه



مدرسه



نیمکت



میز



مداد

مدرسه پرچم دارد.

مدرسه مدیر دارد.



پرچم



مدیر

م م

آ ا ب ا د م م س س





# کلاس



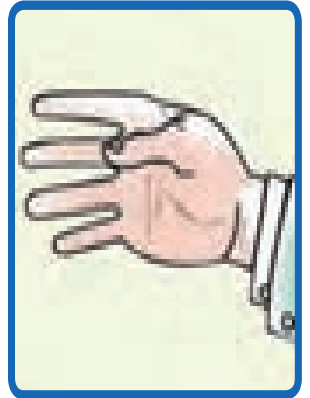
کلاس



یاس



سند



دست

دست سند یاس

آزاده در کلاس

سس



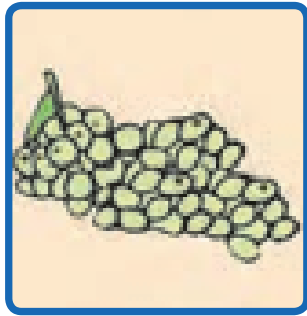
بب آ دم سس او و



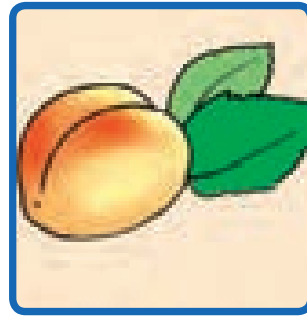
درس ۴ توت



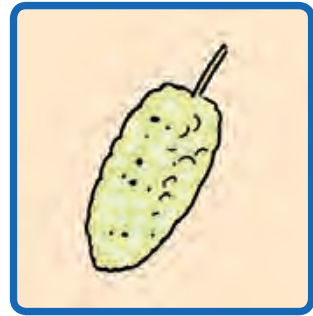
آلو



انگور



هلو



توت

مادر آمد.

او توت داد.

من توت دوست دارم.

او و

آ ا ب ا د م م س س او و ت ت



الغتاب

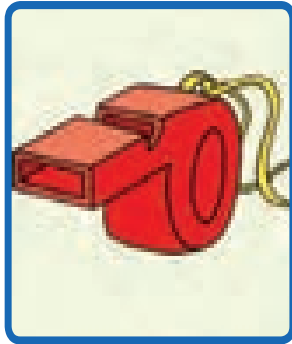
www.aleftab.ir

تولید و ارائه محتوای آموزشی و سرگرمی

باب



دَسَب



سوب



بوپ



باب

دَسَب دَسَب دَسَب

بابا باب نَسَب.

تت



آا بب آء دم م سدس او و تت ر





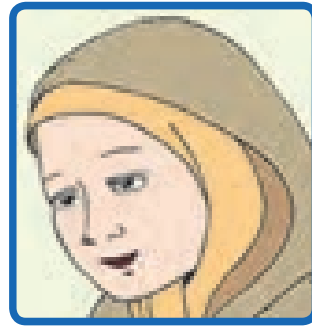
# درس ۵ مَادَر



باران



اَبر



مَادَر

ماد آمد.

اَبر آمد.

آرام آرام باران آمد.

مادَر دَر باران آمد.

ر

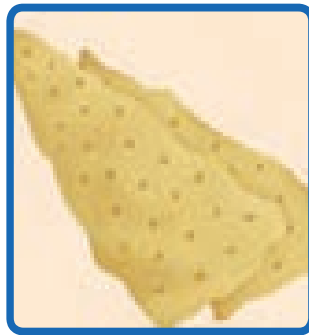


ر زن

آداب آء دم سدس او وقت



باران



نان



مانوا

باران نم نم می بارد .

آمین در دَسب مان دارد .

زن

ای پیری ای

زن



آداب آدم سس او وقت ر



الفتاب

www.aleftab.ir

تولید و ارائه محتوای آموزشی و سرگرمی

# درس ۶ ایران

آباد آباد

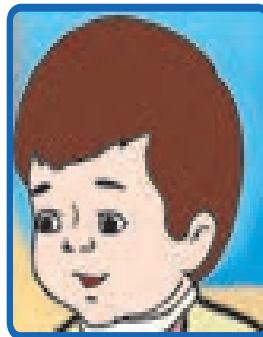
ایران آباد

سدار سدار

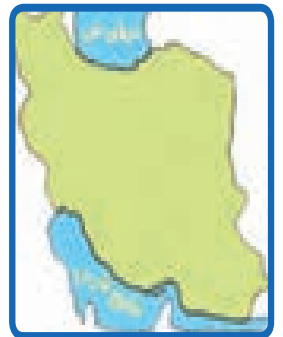
ایرانی سدار



ایرانی



امس



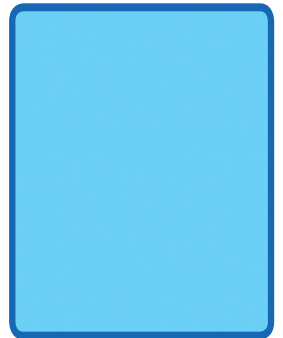
ایران



سُرمه‌ای



سِفید



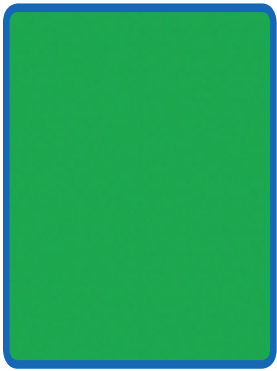
آبی

ایرانی‌ای

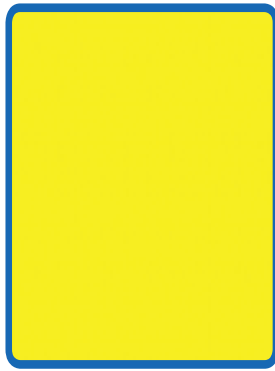
آ ا ب ب ا د م م س س او و ت ت ر ن ن  ایرانی‌ای ز



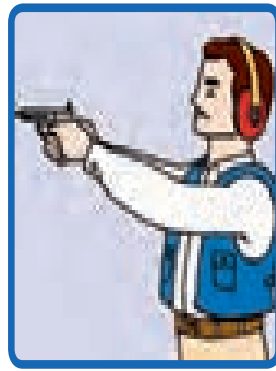
# سَرِمَار



سَر



رَرَد



سَرَأَنَدَار



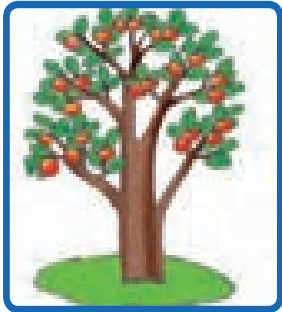
سَرِمَار

اَرَاں اَرَاں پَايَنَدِه

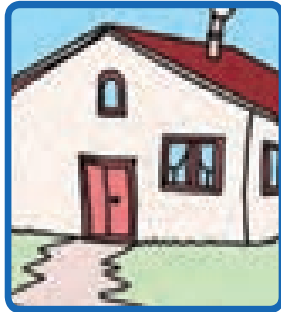
مَا سَرِمَارِ زَرَمَنَدِه

ز

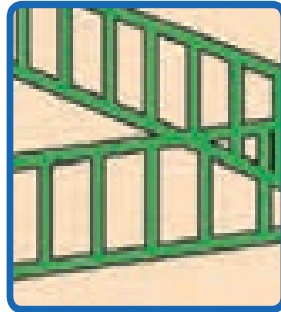
آ ا ب اء د م م س س او و ت ت ر ن ن ایدی ای  ز ا ا ه ه (ه) ه



دِرَخْت



خَانِه



رَدِه



اِسْتِخْر

اِسْتِخْر رَدِه دَارَد.

اِسْتِخْر آَب دَارَد.

خَانِه دِرَخْت دَارَد.

اِه (ه)

اِه (ه) شش آا بب اء دم سس اوو تت رذن ایپی ای ز

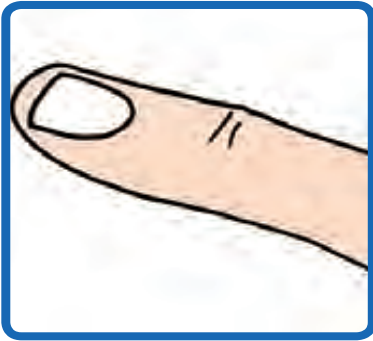


الفتاب

www.aleftab.ir

تولید و ارائه محتوای آموزشی و سرگرمی

# گوسِ سِنوَا



اَنگِست



گوس



چِسَم

مَن گوسِ دارَم .

گوسِ سِنوَا

مَن چِشَمِ دارَم .

چِشَمَانِ سا

# شِش

آبِ اَءِ دَمِ سَسِ اووتت رزن ایدی ای ز اِه (ه) ه شِش



# درس ۸ دریا



چای



نخ



قایق



دریا

دریا آرام است.

قایق روی دریا است.

قایق ران می راند.

پی

آ ا ب اء د م س او و ت ر ن ای ی ای ز ا ه (ه) ه شش  پی



# اُردک



اُردک



اُتاق



مادرِ بزرگ

سَبَ اسب .

مادرِ بزرگ داسباں می گوید .

او داسباں جوچه اُردکِ رِسب را می گوید .

اُ

آا ببا دم سس او و ت ر زن ایی ای زا ه (ه) ه شش یی

کک

اُ





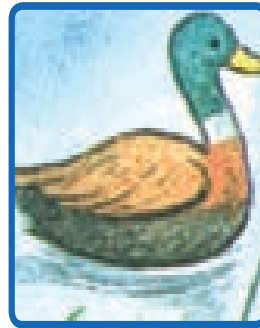


# درس ۹ لک لک

رَسور دَر کَدو اَسب .



گنجشک



اَرْدک



کَونَر

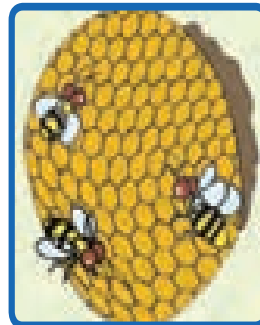
کَونَر رَوی دِر خَت اَسب .

اَرْدک سِا مِی کُند .

لک لک کِبا رِ آَب اَسب .



کَنک



کَدو



لک لک

ک ک

آ ب ا د م س س او و ت ر ن ا ی ی ای ز ا ه ه (ه) ش ش ی ی ا ک و ک ک و



# وَرِيس



دَوَندِه



سَوَارِکَار



وَرِيسِکَار



دَاوَر

سادی سادی ما وَرِيس



وَرِيه تَرْدَار

سوادابی ما دایس

و

آا ببا دم سس اووت رزن ایی ای زایه (ه) شش یی ا کک و پپ



# درس ۱۰ نروار

نرَسو نر



نروانه



نرَسو



نر

نرَوانه نر

نرَده نر

نرَر نرَده



نوب



نا

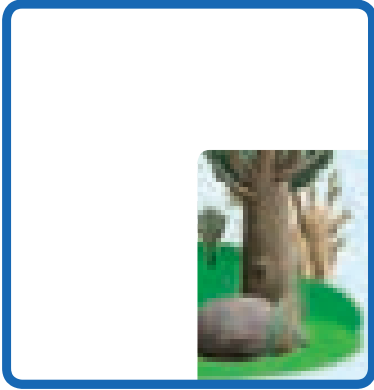


هواپیما

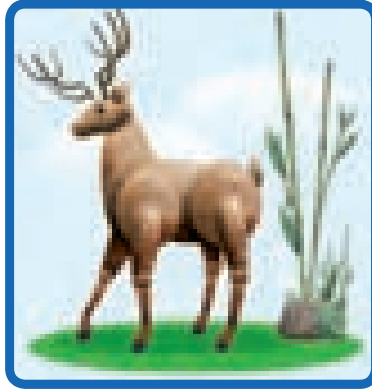
## پ پ

آب آء دم م سس او و ت ر زن ای پی ای ز ا ه (ه) شش پی اء کک و پ پ گگ

# جنگل



جنگل



گورن



گرگ

جنگل بزرگ آسب.

جنگل رسا و سرسبز آسب.

گرگ و گورن در جنگل ریدگی می کنند. گگ

آ ب اء د م س او و ت ر ن ای ی ای ز ا ه (ه) ش ش ی ا ک ک و

ف ف گ گ 

پ پ

# درس ۱۱: رورِ نَرِنی

نَرَف می‌بازَد.

آسَمان آفتابی سَسب.

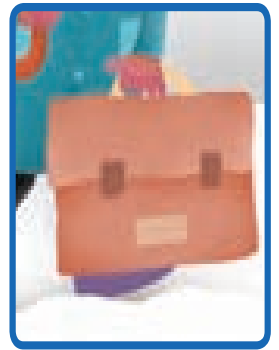
فَراداه و فِرَسه آدَم نَرِنی دُرُسب می‌کُنَد.

آدَم نَرِنی می‌گویند: کاس مَن هم کَف و

کَفَس داسَم و رَه مَدْرِسه می‌رَفَم.



آدَم نَرِنی



کَف



نَرَف



کَفَس

**ف ف**

آا بب آء د مم سس اوو تت رزن اییی ای ز ا ا ه ه (ه) ه شش یی اء

ف ف خخ 

کک و پپ گگ

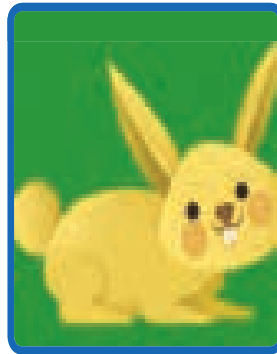
دَرَحَب



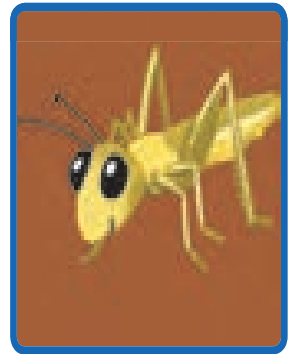
ساحه



دِرَحَب



حَرگوس



مَلَح

دِرَحَب کِبارِ رودخانه اَسب .

حاهِی حَرگوس رِرِ دِرَحَب اَسب .

خ خ

مَلَح رویِ ساحه‌ی دِرَحَب اَسب .

آا بب آء د مم سس اوو تت ر زن اییی ای ز اییه شش یی اء کک و

قق خخ 

پپ گگ فف

# درس ۱۲ همگاری



فَدان



فوری



چاقو



نُسفاب



فاسو

آراده فدان را رُار فدمی کُند.

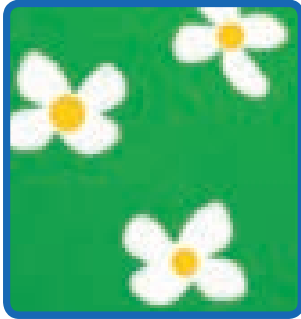
مادر فاسو و نُسفاب را می سوند.

قق

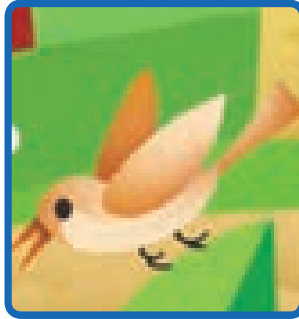
بدر فوری و اِسکیان را به اُنان می نَرَد.

آا بب آء دم سس اووتت رزن اییی ای ز ایه (ه)ه شش یی اُ کک و  
 پپ گگ فف خخ قق ل

گُل



گُل



نُئِل



لانه

بهار آمد. گُل آمد.

نُئِل آمد. گُل لَحَد رَد.

نُئِل سَلام کَرَد. نُئِل کِبارِ گُل لانه سَاحِب.

ل ل

آا ب ب آء د م م س س او و ت ت ر ن ن ای ای ز ا ه (ه) ش ش ی ی ا ا ک ک  
 و پ پ گ گ ف ف خ خ ق ق

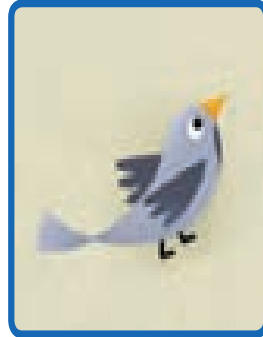
ل ل ج ج



# درس ۱۳

## باریخ و بَرِیخ

اسن حاسالبرار اَسب .



گُنجِسک

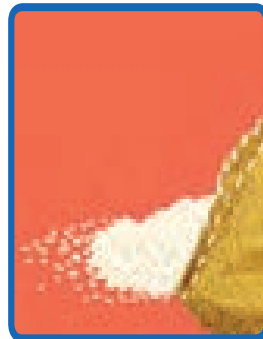


حوحه

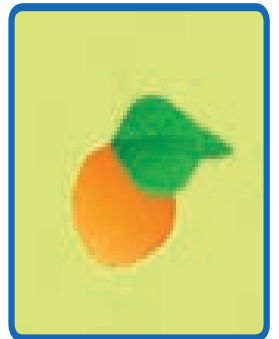
مردان و زنان در سالبرار بَرِیخ می کازند .

برِ بَرِیخ باریخ سه حوحه و سه گنجِسک

باری می کُند .



بَرِیخ



باریخ

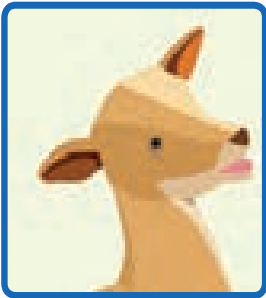
سالبرار ربا و ددنی اَسب .

ج ج

آا بب آء دم سس اووت ر زن اییی ای ز اِـه(ه)ه شش یی اُ کک

و پپ گگ فف خخ قق لَل ج ج و ←





آهو



ستاره‌ها



ماه



کوه

نه نه چه هوایی!

چه ستاره‌هایی!

چه مهتابِ ربانی!

ای خدایِ مهربان،

آسمان و ماه و ستاره‌هایت را دوست دارم.

ه ه ه ه

آ ب ب آ د م م س س او و ت ت ر ن ن ای ای ای ز ا ه (ه) ش ش ی ی ا ک ک

و پ پ گ گ ف ف خ خ ق ق ل ل ج ج و ← ه ه ه چ چ



# حسمه و خراگاه



خادر



حسمه



فوح

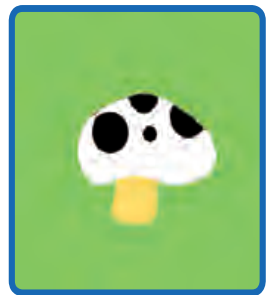


خراگاه



حومان

چه روز فسگی! چه هوای خوبی!  
 کوسفندان در خراگاه می خزند.  
 فوح کنار حسمه اساده است.



فارج

حومان بر درج سسه است. **چچ**

آا بب آء د مم سس اوو تت ر زن اییی ای ز ا ه (ه) ه شش یی اء کک  
 و پپ گگ فف خخ قق ل جج و ه ه ه **چچ** ژ



# کتاب حوابی

مَن حواهِرِ حوی دارم .

حواهِرَم، آرادِه، فیل ار حوابِ برایِ

مَن کِتابِ می حواند .



حواندَن



حواندَن


مَن داسانِ هایِ ساهمامه را دوست دارم .

ما هَم دنگر را دوست دارم .



نَحَبِ حواب

خوا

آا بب آء دم سس اوو تت رزن اییی ای ز ا ه (ه) ه شش یی اُ کک  
 و پپ گگ فف خخ قق ل جج و ه ه ه ه چچ ژ  خوا

✽ خدا دانایان را دوست دارد.  
امام علی (ع)

# روان خوانی



## قرآن

قرآن، کتاب خدای مهربان است.

من دوست دارم، قرآن بخوانم. قرآن کتاب دینی ما مسلمانان است.

قرآن به ما یاد می‌دهد که راست‌گو و درست‌کار باشیم، از کارهای بد دوری

کنیم و با دیگران مهربان باشیم.

گاهی از پدر و مادرم خواهش می‌کنم که درباره‌ی سامران خدا برای من کتاب

بخوانند.

برخی سب‌ها، پدرم داستان‌هایی از قرآن برای من می‌گوید.

من خواندن داستان را دوست دارم.

مادرم می‌گوید: وقتی بزرگ سدی، می‌توانی قرآن و کتاب‌های خوب دیگری



## میهن ما

کسور ما ایران است.

ایران میهن ماست. ما میهن اسلامی خود را دوست داریم.

کسور ما بزرگ است و دریا، کوهستان‌ها و دس‌های فراوان دارد.

ما مردم کسور خود را دوست داریم.

مردم کسور ما، هر جا ناسند، ایرانی هستند.

ما ایران و ایرانی را دوست داریم.



✽ خدایا، تو را سپاس که زیبایی‌های آفرینش را برای ما آفریدی.  
امام سجّاد (ع)

## بخش ۳

# آموزش نشانه‌ها (۲)

## درس ۱۶ در باران

درو در باران بودم. مادرم از فرسگاه، بارچه‌ی گل دار فسگی خرده بود. او در راه، دگان‌ها را نه من ساں می داد و می گف: اس حائاری اس؛ حار، سحره، در و مر می سارد.

اس حائوایی اس. آن حاکفاسی اس.

سس نه مک فنادی رسدم. مادرم از فنادی سرسی خرده. ونی نه حانه رسدم، مادرم با آن بارچه، حادر بار فسگی برای من دوحب. من از او حلی سکر کردم.



آیا ماکون دریا را دیده‌ای؟ دریا بسیار زیبا و بهمانسانی است.

آسمان صاف و آبی دریا خیلی دیدنی است. صدف‌های سفید در کنار دریا، اس جا و آن جا برانگنده است. صدای موج دریا به گوش می‌رسد. پرندگان دریا، ماهی‌های زرد و در سف را سگار می‌کنند. خاوردانی مانند هسگ، کوسه، ازه ماهی و هسب با مخصوص دریا هسند.

صد ص



## سفر دل‌دیر

رنگ آخر بود. حامم آموزگار پرسید: کدام یک از شما با نسیان گدسه به مسافرت رفته‌اند؟ آدر دست بلند کرد و گفت: احاره؟  
 با نسیان گدسه مادر، مادر و برادرم به ما در دران رسم. از دهن حنک‌ها، جسمه‌ها، کوه‌ها و سالارها لذت بردم. آن‌ها هوای خوب و دل‌دیری داس.

برادرم گفت:

«کاس می‌بواسم هرچه  
 را که می‌سم، سو سم».  
 مادرم گفت: «و منی به  
 مدرسه روی، بوس را  
 ماد می‌گری اما ما آن  
 رمان، هرچه را دده‌ای،  
 نغاسی کن».



## درس ۱۸ علی و معصومه

علی و معصومه کتّه‌هایِ ما آدب و ماکره‌ای هسند.

آن‌ها همسه به دیگران سلام می‌کند.

وپی می‌خواهد به حالی وارد شود، اول در می‌رسد.

برای استفاده کردن از وسایل دیگران، از آن‌ها اجازه می‌گیرد.

وپی معلم درس را شروع می‌کند، خوب به آن‌ها گوش می‌دهد.

بعد از درس، وسایل خود را جمع می‌کند.

کتّه‌هایِ ما ادب و ممر، بس جدا و همه کس غرر هسند.

## میلِ حورسید

سی مہانی بود .

من و مدرم بہ آسمان نگاه می کردم .

مدرم گف: رُتّا حان، آنا می دانی حہ حری باعبِ

روس سدنِ رمس می سود؟

من حدمانہ فکر کردم و گفم: نورِ ماہ .

مدرگف: آفرس دحرم! نورِ ماہ در سب، میلِ نورِ

حورسید در نور، باعبِ روس سدنِ رمس می سود .

من آن سبِ مہانی را فراموس ہی کنم .





# درس ۱۹ حَلَرُون

آیا حَلَرُون دنده‌ای؟ حَلَرُون ها مدنی برم دارند. سس بر آن ها، مک  
 صدف دارند که نه سب ساا حسده است. هر وب حَلَرُون احساس  
 رس می کند، همی بدس را داخل اس صدف می برد. حَلَرُون حلی آرام  
 حرک می کند و هنگام حرکت، سر و بدس از صدف بیرون است.  
 صُح ها اگر کنار سره ها و مرعه ها قدم برنی، تعداد زیادی حَلَرُون می سی.  
 حَلَرُون ونی حرک می کند، ارس روی رس ما هر حر دیگر مانی می ماند.  
 برای همس اسب که نه آسانی، راه برگس را سدا می کند، آنا می دانی که نه  
 حَلَرُون، « حواا حانه نه دوس » می گویند؟

ح ح



صدای اذان را از مسجد شنیدم. همراه پدرم به مسجد رفتم. کنار حوض، وضو گرفتم. وقتی داخل مسجد شدم، مردم سینه بوسه بودند. دو سیم رصا در مسجد بود. مدرس را دیدم. به او سلام کردم و پرسیدم: چرا امروز رصا نیامده است؟ مدرس گفت: رصا مریض است. من و پدرم برای سلامتی رصا دعا کردم. بعد از نماز، از پدرم اجازه گرفتم و به درس رصا رفتم.

رضض



## حاطرات العلاب

کلاس‌ها و حاط مدرسه را برای حسن آماده کرده بودند. مادر حاط، صف  
سسه بودم و مدر، حاطراتِ روره‌های العلاب را تعرف می‌کرد.  
او می‌گفت: «سما آن رورها نه دسا سامده بودند. مردم ما نه رهبری امام  
حمسی، نه حابان‌ها آمدند و راه‌سما می‌کردند. آن‌ها سمار می‌دادند: «اللذاکر،  
حمسی رهبر».

ساه، امام را از مردم دور کرده بود. مردم ساه را بی‌حواستند. طولی  
نکستد که ساه از ایران فرار کرد. امام حمسی نه وطن آمد، آن روز، دوازدهم  
بود. از دوازدهم ما سب و دوم همس، که روز سروری العلاب اسلامی است،  
ده روز است که نه آن، «دهی فخر» می‌گوسد. ما هر سال، دهی فخر را  
حسن می‌گرم و ماد امام حمسی و سهدان العلاب اسلامی را گرامی می‌دارم».

## درس ۲۱ لاک سب و مرعابی‌ها

دو مرعابی و یک لاک سب، در کنار آنگری رنگی می‌کردند. ما گرم سدن هوا، آنگر هم حسک سد. مرعابی‌ها محور سددار آن خارود. لاک سب گف: من هم ما سما می‌آم. مرعابی‌ها گفد: بوکه می‌بوابی مثل ما پروار کبی. لاک سب عمگس سد. مرعابی‌ها ما هم فکر کردند ما راهی سداکسد.

رور بعد، کلاخ و حعد دسد که دو مرعابی خوبی راه سفار گرفته اند و لاک سبی را ما خود می‌برد. آن‌ها جمع ردد و گفد: «لاک سب سده برده»! مرعابی‌ها به لاک سب گفد بودند که در راه، هر کس هر چه گف،

گوس نکند و حواب بدهد. او مدنی ساک ماد و بعد فرباد رد: «بردم که بردم!» اما ما دهاس را مار کرد، ار مالاه رسن افناد.



[www.aleftab.ir](http://www.aleftab.ir)

تولید و ارائه محتوای آموزشی و سرگرمی

«بازنویسی از کلیله و دمنه»

## درس ۲۲: سامر مهران

سامر ما، حضرت محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ)، در شهر مکه به دسا آمد. روری که ستمر (ص) به دسا آمد، مادرش آمنه حنلی حوس حال سد.

سامر اعظم (ص) ار همان کودکی بسار مهران بود اما در برابر ظلم و بدی هرگز آرام نمی بست و ما آن مبارزه می کرد.

یک سب در کوه، صدای فرسه ای را سسد که به او می گفت: بخواه به نام پروردگار.

روری که حضرت محمد (ص) به سامری رسد، «رور منعب» نام دارد. ما مسلمانان، اس رور را حس می گرم.

✽ خدایا، زبانم را به گفتن سخن حق، عادت بده.  
امام سجّاد(ع)

# روان خوانی

# چهار فصل

هر سال چهار فصل دارد: بهار، تابستان، پائیز و زمستان.

در بهار هوا کم‌کم گرم می‌شود. برف کوه‌ها آب می‌شود. درختان برگ و سبزه می‌دهند.

عید نوروز، روز اول بهار است. آیا می‌دانی ماه‌های فصل بهار، چه نام دارند؟

پس از بهار بوی تابستان است. در این فصل، کشاورزان گندم و جو را درو می‌کنند.

بچه‌ها، شنا کردن در تابستان را دوست دارند. حالا بگو نام ماه‌های فصل تابستان چیست؟

پائیز فصل سوم سال است. برگ‌های درختان زرد می‌شود و می‌ریزد. مهر، ماه اول فصل

پائیز است. در این ماه، مدرسه‌ها باز می‌شود. آیا می‌دانی نام ماه‌های فصل پائیز چیست؟

آخرین فصل سال، زمستان است. زمستان را با برف و سرما می‌شناسیم. آیا نام ماه‌های

این فصل را می‌دانی؟

راستی، درباره‌ی آفریننده‌ی این همه زیبایی‌ها فکر کرده‌ای؟



الغتاب

[www.aleftab.ir](http://www.aleftab.ir)

تولید و ارائه محتوای آموزشی و سرگرمی

# ساس

ای جدای مهربان، نورا سکر می کنم که نه ما توانایی دادی با خواندن و بوسن را ناد نگنیم.  
حدانا! ار امورگار حوب خود، ساس گراریم که نه ما خواندن، بوسن و درسف فکر کردن  
را ناد می دهد. ار بدر و مادر دل سور خود، ساس گراریم که برای بزرگ کردن ما رحمت فراوان  
می کسد.

حدانا! امروز که آخرس درس کتاب را می خوانیم، سسار حوس حالیم که می توانیم  
داسان های سربس و کتاب های آورنده بحوانیم.

